

رسالهی ارتداد

تبیین آرای فقهای بزرگ

www.ketab.ir

سرشناسه: - ارجی، علی اکبر، ۱۳۳۸
عنوان و نام پدیدآور: رساله ارتداد / علی اکبر ارجی
نشر: فیضیه، ۱۳۹۰، ۴۲۳ ص. شابک: ۸-۵۳-۶۷۶۴-۹۶۴-۹۷۸
فهرست نویسی: فینا؛ موضوع: ارتداد - مذهبی - فقه استدلالی قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ خ ۲/۳/۲۷ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۲۳۳۳۵



انتشارات فیضیه

قم - میدان ولی عصر (عج) به سمت جمکران - بعد از کوچه ۳ پلاک ۱۰۳
تلفن: ۰۹۱۲۱۵۳۸۹۴۷ - ۲۹۱۲۵۴۳ - ۷۲۲۷۷۰۱

رساله ارتداد، تبیین آرای فقهای بزرگ

تألیف: علی اکبر ارجی

ناشر: فیضیه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: فیضیه

بهاء: ۶۸۰۰ تومان

شابک: ۸-۵۳-۶۷۶۴-۹۶۴-۹۷۸

ISBN 978 - 964 - 6764 - 53 - 8

«کلیه حقوق طبع برای مؤلف محفوظ است»

فهرست مطالب

۱۳	خطبه
۱۵	مقدمه
۳۳	فصل اول: ارتداد در لغت
۳۵	ارتداد در لغت
۳۸	معنای اصطلاحی
۳۸	ارتداد در اصطلاح فقهی
۴۰	اظهار شعار الکفر بعد الایمان
۴۱	خروج از اسلام
۴۱	کفر بعد از اسلام
۴۲	مرتد کیست؟
۴۴	نتیجه:
۴۴	حقیقت ارتداد
۴۶	شک و ارتداد:
۴۹	اقسام شبهات:
۵۲	انکار و ارتداد:
۵۳	حقیقت اسلام
۵۵	دیدگاه اول:
۵۶	دلایل:
۵۷	روایات:

۵۸	دیدگاه دوم:
۶۱	دلایل دیدگاه دوم:
۶۳	«کفر»
۶۴	حقیقت کفر:
۶۹	دیدگاه مذاهب اهل سنت:
۷۱	ارتداد و اظهار:
۷۲	انظار فقهاء
۷۷	فصل دوم: تاریخچه ارتداد
۷۹	مقدمه
۸۰	۱. ارتداد در ادیان گذشته
۸۳	بلعم با عورا:
۸۵	سامری
۸۷	حکم دادگاه سامری
۸۸	برصیصای عابد
۹۱	توطئه اهل کتاب در ارتداد مسلمانان
۹۲	اهل کتاب و آرزوی ارتداد مسلمانان
۹۳	کفر مسیحیان:
۹۵	مجازات مسیحیان:
۹۵	۲. ارتداد در اسلام
۱۰۱	زنان مرتد:
۱۰۳	ارتداد گروهها و قبایل:
۱۰۷	درنگ کوتاه
۱۰۹	مخالفت با خلافت ابوبکر:
۱۱۰	نتیجه:
۱۱۳	فصل سوم: ارتداد در قرآن
۱۱۵	ارتداد در قرآن

۱۱۹	۴. کفر بعد از اسلام:
۱۱۹	۵. بازگشت به آیین کافران:
۱۲۱	فصل چهارم: اقسام ارتداد
۱۲۳	اقسام ارتداد:
۱۲۴	فقه‌های امامیه:
۱۲۷	معیار مرتد فطری و ملی:
۱۳۴	۱. روایت عمار سباطی
۱۳۶	صاحب مفتاح الکرامه و محقق اردبیلی
۱۳۷	اظهار اسلام بعد از بلوغ
۱۴۱	نتیجه:
۱۴۳	نتیجه دو دیدگاه
۱۴۷	فصل پنجم: موجبات ارتداد
۱۴۹	موجبات ارتداد
۱۵۰	۱- انکار اسلام:
۱۵۶	۲. انکار اصول دین
۱۵۸	۳. ضروریات دین
۱۶۳	فقه‌ها و انکار ضروری دین
۱۸۳	الف: خبر زراره
۱۸۴	ب: خبر زراره
۱۸۴	ج: خبر محمد بن مسلم
۱۸۶	موجبات ارتداد در نزد اهل سنت
۱۹۴	انکار ضروری مذهب:
۱۹۶	اخبار:
۱۹۶	۱. خبر فضیل بن یسار
۱۹۷	۲. خبر ابن ابی یغفور
۱۹۸	۳. خبر ابی سلمه

۱۹۸ ۴. خبر ابی حمزه
۱۹۹ ملاحظه: نقد و بررسی کلام صاحب حدائق
۲۰۳ حاصل بحث:
۲۰۳ سب انبیاء علیهم السلام
۲۰۴ روایات
۲۰۶ دیدگاه مذاهب:
۲۰۸ سب ائمه <small>علیهم السلام</small> و فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>
۲۱۰ دیدگاه اهل سنت:
۲۱۲ فقهای شافعی:
۲۱۳ فصل ششم: احکام ارتداد
۲۱۵ احکام ارتداد
۲۱۵ دیدگاه امامیه
۲۱۸ دلیلهای دیگر امامیه
۲۱۸ دلیل اول، آیات قرآن
۲۲۷ کیفر زن مرتد:
۲۲۹ دلیلهای فقهای امامیه
۲۳۱ دیدگاه اهل سنت
۲۳۵ کیفر زن مرتد از دیدگاه اهل سنت:
۲۳۷ اعدام مرتد در عهدین
۲۳۸ اجرا کننده حد مرتد
۲۳۹ دیدگاه امامیه:
۲۴۰ اخبار
۲۴۳ دیدگاه اهل سنت:
۲۴۴ حاصل بحث:
۲۴۶ جنایات مرتد
۲۴۶ جنایات مرتد

۲۴۹	۲. اتلاف اموال
۲۵۰	نجاست مرتد
۲۵۱	دلایل:
۲۵۳	اموال مرتد
۲۵۳	دیدگاه امامیه
۲۵۵	مرتد ملی مرد
۲۵۶	اموال زن مرتد
۲۵۶	دیدگاه اهل سنت
۲۵۸	حنفیه و مالکیه
۲۵۸	شافعیه
۲۵۸	حنابله
۲۵۹	میراث مرتد
۲۵۹	الف - ارث بردن مسلمان از کافر
۲۶۱	ب - ارث بردن کافر از مرتد
۲۶۳	نقض زوجیت
۲۶۵	اخبار
۲۶۶	حکم مرتد فطری مرد
۲۶۷	موثقه یا صحیحه عمار ساباطی
۲۶۷	حکم مرتد ملی مرد
۲۶۸	حکم زن مرتد
۲۷۰	دیدگاه اهل سنت
۲۷۰	حکم ازدواج پس از ارتداد
۲۷۳	حکم فرزندان مرتد
۲۷۳	دیدگاه امامیه
۲۷۶	نقد اقوال
۲۸۰	دیدگاه اهل سنت

۲۸۱	عبادات مرتد
۲۸۱	حیط عمل
۲۸۳	تکالیف فوت شده در زمان ارتداد
۲۸۶	علامت و نشانه بازگشت مرتد به اسلام
۲۸۶	تفصیل بین دارالحراب و دارالاسلام،
۲۸۸	نقد و بررسی دلایل سه گانه
۲۹۱	فصل هفتم: شرایط ارتداد
۲۹۳	شرایط ارتداد
۲۹۴	دیدگاه امامیه
۲۹۶	حکم کودک مرتد
۲۹۶	اسلام کودک ممیز (مراهق)
۲۹۶	دلایل:
۲۹۸	دیدگاه اهل سنت
۲۹۸	عقل
۲۹۹	حکم دیوانه مرتد
۳۰۰	حکم مجنون ادواری
۳۰۰	حکم مجنون پس از ارتداد
۳۰۱	حکم مست
۳۰۳	اختیار
۳۰۳	دلایل
۳۰۶	قصد
۳۰۸	ادعای عدم قصد
۳۰۹	فصل هشتم: راههای اثبات ارتداد
۳۱۱	راههای اثبات ارتداد
۳۱۱	دلایل
۳۱۲	نتیجه

۳۱۷ فصل نهم: توبه مرتد
۳۱۹ توبه مرتد
۳۱۹ دیدگاه امامیه
۳۲۰ الف - استتابة مرتد فطری
۳۲۰ ب - استتابة مرتد ملی
۳۲۱ دلایل استتابة
۳۲۳ مدت استتابة:
۳۲۴ توبه مرتد
۳۲۵ دیدگاه اهل سنت
۳۲۵ دیدگاه امامیه
۳۲۵ ۱. توبه زن مرتد
۳۲۶ دلایل
۳۳۲ پذیرش توبه مرتد فطری در پیشگاه خداوند
۳۳۲ دیدگاه اول
۳۴۰ دیدگاه دوم
۳۴۳ نتیجه:
۳۴۴ حکم تکرار ارتداد
۳۴۵ دیدگاه امامیه
۳۴۶ دلایل قتل در مرتبه چهارم
۳۴۸ دلایل قتل در مرتبه سوم
۳۵۳ فصل دهم: فلسفه مجازات مرتد
۳۵۵ فلسفه مجازات مرتد
۳۵۷ ۱. حفظ اصل اسلام و پافشاری بر اقتدار دین
۳۵۸ ۲. دفاع از مقدسات
۳۵۹ ۳. جلوگیری از تزلزل عقاید مسلمانان
۳۶۱ ۴. جلوگیری از نفوذ بیگانگان:

- ۳۶۱ ۵. جلوگیری از نفوذ به قصد براندازی
- ۳۶۲ ۶. جلوگیری از تبلیغ بر ضد اسلام
- ۳۶۴ شواهد روایی
- ۳۶۴ ۱. حدیث مستورد العجلی
- ۳۶۵ ۲. حدیث ابوالطفیل
- ۳۶۶ ارتداد و آزادی عقیده:
- ۳۶۷ دیدگاه اول
- ۳۷۲ دیدگاه دوم
- ۳۷۵ نتیجه
- ۳۷۸ تفتیش عقاید
- ۳۸۲ بی منطقی مرتد
- ۳۸۴ چکیده آنچه گذشت
- ۳۹۰ نتیجه:
- ۴۰۷ کتاب نامه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ وَ يُرْفَعُ الْمُشْتَغَفِينَ وَيَضَعُ الْمُنْتَكَرِينَ وَ
يُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ الظَّالِمِينَ مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ نَكَالِ
الظَّالِمِينَ صَرِيحِ الْمُسْتَضْرَجِينَ مَوْضِعِ حَاجَاتِ الظَّالِمِينَ مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآمِينَكَ وَصَفِيكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ
خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ وَصَلِّ عَلَى الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ الْمُهْتَدِينَ الْمُفْضُومِينَ
الْمُكْرَمِينَ الْمُقْرَبِينَ التَّقِيَّينَ الصَّادِقِينَ الْمُصْطَفِيَّينَ الطَّيِّبِينَ اللَّهُ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلِينَ بِإِرَادَتِهِ
الْفَائِزِينَ بِكَرَامَتِهِ

وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَحِفْظِهِ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ وَآيَدِهِ
بِرُوحِ الْقُوْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُبَلِّغُ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ
تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

دین، در منظر مکتب اسلام، همان روش زندگی است که انسان گریزی از آن ندارد. دینداری و پرستش یکی از طبیعی‌ترین، ضروری‌ترین و عالی‌ترین لوازم انسانیت است.

تمسک به دین و قدم گذاشتن در مسیر توحید موجب نجات انسان از ورطه هلاکت و تباهی و راه یافتن او به وادی نور و سلامت می‌گردد. و باعث می‌شود انسان به سعادت دنیوی و اخروی نائل گردد و به بالاترین درجات تکامل که همان قرب به پروردگار متعال و بهره‌مندی از نعمت‌های جاویدان الهی است دست یابد.

بر این اساس، دین و آشنایی بشر با پیام آسمانی انبیاء الهی را می‌توان برترین و بالاترین نعمت الهی برشمرد که خداوند به بندگانش خورشین ارزانی داشته است.

گرچه انبیاء الهی و کتابهای نازل بر آنان متعدد بوده، لکن اساس دینی که آورده‌اند در بسیاری از امور مشترک بوده‌اند، از جمله پرستش خدا، اعتقاد به آخرت، مسئولیت در برابر نفس و خلق مخصوصاً احکامی از قبیل طهارت، نماز، روزه، زکات، خودداری از محرّمات مانند شراب، کسب حلال، تحصیل علم و امثال آن، یعنی در وظائف شخصی مؤمن که مفید به حال خود او می‌شود، احکامی مانند ازدواج، صداقت، عدالت، احسان، خوشرفتاری، رعایت همسایه و والدین و مردم، دفاع، جهاد و غیره، یعنی اعمال و وظایفی که ما بین مؤمن و دیگران را تعیین می‌نماید.

این اعمال یا عبادات در نظر ادیان مخصوصاً اسلام وسایل و راه‌هایی می‌باشد که شخص خود را شبیه و نزدیک به خدا می‌نماید. و اساس تعلیمات ادیان و بلکه زیربنا و

ریشه آن، پرستش خدا و تقرب به او است، و احکام و دستورهای دینگر فرع به پرستش خدا و قربة الی الله یعنی به قصد نزدیک شدن به خدا آمده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های ادیان مخصوصاً دین اسلام آن است که، آثار نیکوی خود را به طور مساوی به همه کس و هر جامعه‌ای می‌بخشد و بزرگ و کوچک، دانا و نادان، مرد و زن، سفیدپوست و سیاه پوست، شرقی و غربی، دور و نزدیک، شهری و روستایی، بدون تفاوت می‌توانند از فوائد و مزایای این آئین پاک برخوردار شوند، و نیازمندیهای خود را به نحو احسن و اکمل رفع نمایند، زیرا دین اسلام، معارف و مقررات خود را بر پایه‌ی آفرینش گذاشته و نیازمندی انسان را منظور داشته به رفع آنها می‌پردازد و فطرت و ساختمان انسان نیز در همه‌ی افراد مختلف و نژادهای متفاوت و زمانها یکسان است. زیرا بدیهی است که جامعه‌ی انسانی از غرب گرفته تا شرق، یک خانواده نوعی است یعنی همه از نوع انسانند و بزرگ و کوچک، مرد و زن، دانا و نادان، سفیدپوست و سیاه پوست و... در اصول و ارکان ساختمان انسانی شریکند و نیازمندی‌های افراد مختلف و نژادهای متفاوت، مشابه است و آیندگان بشر نیز فرزندان و زادگان همین خانواده‌اند و قطعاً وارث حوائج و نیازمندیهای اینان می‌باشند.

بر این اساس، پیروی از دین اسلام، ستایش و تسلیم خدا بودن با تمام وجود به همراه انجام کارهای نیک و شایسته، موجب رفع نیازمندیهای واقعی و فطری انسان می‌شود. علاوه شکرگزاری از بزرگترین و کامل‌ترین نعمت خداوند است که موجب سعادت و رستگاری انسان در دو جهان می‌گردد.

ولکن انسانها در برخورد با این نعمت بزرگ الهی و بهره گرفتن از آن متفاوت بوده و می‌توان آنان را از این جهت سه دسته تقسیم نمود.

دسته اول: افرادی هستند که با تفکر و اندیشه و به کار گرفتن عقل و خرد خویش دعوت انبیاء الهی را اجابت نموده و با انتخاب دین و عمل به دستورات و قوانین الهی موجبات سعادت خود را در دنیا و آخرت فراهم نموده‌اند و بدین وسیله خود را در

سازندگان و رشد دهندگان روح خویش، اهل نجات‌اند و به هدف اصلی دست یافته و همواره در خوبی و کامیابی و رستگاری‌اند. ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّىٰهَا﴾^۱

دسته دوم: انسان‌هایی هستند که بر اثر عدم تعقل و تفکر در رسالت انبیاء الهی و پیامد راه باطل خویش و با پیروی از هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطان بر راه باطل و گذشته خود اصرار ورزیده، و با وجود دعوت نجات بخش انبیاء، راه کفر و عناد را در پیش گرفته‌اند بدین وسیله خسران و تباهی را به عنوان سرنوشت خویش رقم زده‌اند. و معلوم است انسانها و جامعه‌ای که به دین پای‌بند نباشد واقع‌بینی و روشنفکری را از دست می‌دهد و عمر گرانیامیه خود را در گمراهی و ظاهرینی می‌گذارند، عقل را زیر پا گذاشته، چون حیوانات کوتاه نظر و بی‌خرد زندگی می‌کند، دچار زشتی اخلاق و پستی کردار می‌شود. و بدین ترتیب از امتیازات انسانی محروم می‌گردد.

چنین جامعه‌ای گذشته از اینکه به سعادت ابدی و کمال نهائی خود نمی‌رسد، در زندگی کوتاه و زودگذر این جهان هم نتایج شوم و ناگوار انحرافات و کجرویها و در نتیجه دیر یا زود چوب غفلت خود را خواهد خورد و به روشنی خواهد فهمید که تنها راه سعادت همان دین بوده است و سرانجام از کردار خود پشیمان خواهد شد. و به وعده خدا پی خواهد برد که: «کسانی که نفس خود را در گناه مدفون ساخته، آن را به سقوط و تباهی می‌کشاند، محروم و زیانکارانند» ﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّهَا﴾^۲

دسته سوم: افرادی هستند که بعد از راه یافتن به راه حق و هدایت، و بعد از اسلام آوردن و حتی پس از ایمان به مجموعه اصول و فروع دین و بهره‌مندی آنان از نعمت دین و دینداری و برخورداری از نعمت بزرگ الهی، کفران نعمت نموده و با پشت‌پا زدن به دین و ایمان و رسالت انبیاء الهی، راه کفر و شرک و ضلالت را در پیش می‌گیرند و از تحت فرمان و عبودیت خداوند یکتا خارج گردیده، و به خاطر سوءظن،

۱. شمس، ۹/۹۱

۲. شمس، ۱۰/۹۱

بدگمانی، بددلی و پیروی از هواهای نفسانی، و پیروی از فرمان و دستورات شیطان، به دام او گرفتار آمده و ابلیس را به عنوان معبود خویش برمی‌گزینند. این دسته از افراد بدبخت‌تر و گمراه‌تر از دسته دوم بوده و گناه و جرم آنان را می‌توان بالاتر از کافران اصلی دانست زیرا اینان در حالی به کفر می‌گرایند که با اسلام و احکام و مقررات و قوانین نجات بخش آن آشنا شده و زمینه سعادت آنان فراهم گردیده است ولی با این وجود این نعمت عظیم الهی را کفران نموده و به راه باطل و هلاکت روی می‌آورند. و بدین سبب است که هم در دنیا مورد مجازات قرار می‌گیرند و هم در آخرت خداوند آنان را عذاب خواهد نمود.

موضوع بحث ما در این رساله همین دسته از انسانها هستند که در اصطلاح فقه اسلامی از آنان به عنوان «مرتد» و از عمل آنان با عنوان «ارتداد» یاد می‌شود. و در فقه برای آنان و بر اعمالشان احکام و پیامدهایی، مانند کشتن مرتد، جدایی همسر، تقسیم اموال و مباحثی مانند: طهارت یا نجاست مرتد، اموال بعد از ارتداد، میراث، ازدواج، عبادات، جنایات، فرزندان و... مترتب است.

و بر همین اساس، حکمت و فلسفه مجازات مرتد در اسلام از منظر شرع و عقل و عقلای عالم، منطقی و قابل قبول است، و عمل مرتد بی‌منطقی است، یعنی بازگشت از حق به باطل، از اسلام به کفر، امری شگفت و به دور از منطق و استدلال است.

آیا بزرگترین، عالی‌ترین معبود و کمال مطلق را، معشوق و محبوب خود قرار دادن، و به سوی او پرواز کردن، نشانه رشد و کمال، عزت و افتخار و سربلندی نیست؟

و در مقابل روی گردانی، انکار او، و اصرار بر کفر و ارتداد، پس از شناخت و معرفت کامل او، نشانه کوته فکری، خودبینی، سرگردانی، بی‌هویتی و در یک کلمه بی‌منطقی نیست؟

آیا اعتقاد به وجود انبیاء الهی (یعنی صادق‌ترین، خدمت‌گذارترین، شجاع‌ترین، رشیدترین و کامل‌ترین نمونه‌های بشریت) و اعتقاد به معاد، و کتب آسمانی که انسان را به پرستش عالی‌ترین معبود فرامی‌خواند. نشانه رشد، علو طبع، برتری و نبوغ نیست؟ و

انکار و روی گردانیدن از این امور که در حقیقت، روی گردانیدن از حق و اعراض از معنویت است، نشانه‌ی ارتجاع و واپس‌گرایی و مستلزم کیفر شدید و خسران آشکار دنیوی و اخروی نیست؟

برای پاسخ دادن به این نوع سؤاها که نمونه‌هایی از آن در مبحث کلیات آمده است و تبیین احکام الهی، با توجه به آیات و روایات و با توجه به آرای علمای فریقین، این رساله تحقیق، تنظیم و تدوین شده است.

لازم است به این نکته اشاره شود که بحث و بررسی این موضوع و شناخت زوایای پیدا و پنهان آن، کاری بس مشکل و طاقت‌فرسا است، لکن توجه به اهمیت موضوع از باب «المیسور لایترک بالمعسور» این رساله به رشته تحریر درآمد.

مباحث این رساله، در ضمن، کلیات و ده فصل و چکیده، نگاشته شده است. در فصل اول، معنای لغوی، اصطلاحی، شرعی و قرآنی ارتداد و حقیقت آن. و به تبع آن، حقیقت اسلام و کفر، و در اینکه مرتد کیست؟ مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل دوم، تاریخچه ارتداد [ارتداد در یهودیت، مسیحیت و اسلام] بررسی شده است.

در فصل سوم، به معنای ارتداد در قرآن پرداخته شده است. در فصل چهارم، اقسام ارتداد [مرتد فطری و ملی و معیار هر کدام] مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

فصل پنجم، موجبات ارتداد، با توجه به دیدگاه فقهای شیعه و سنی و دلایل هر کدام و نقد و نظر آنان، برشمرده است.

فصل ششم، در احکام ارتداد، [از قبیل قتل مرتد، کیفر زن و مرد، جنایات، اتلاف اموال، میراث، عبادات و فرزندان مرتد] است.

فصل هفتم، به شرایط ارتداد، پرداخته است.

فصل هشتم، به راههای اثبات ارتداد [مثل اقرار، بینه، علم قاضی] می‌پردازد.

در فصل نهم، توبه مرتد، [معنای لغوی توبه و استتابه، استتابه در اصطلاح فقه، مدت استتابه و حکم تکرار ارتداد] مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گرفته است. فصل دهم، فلسفه مجازات مرتد را مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌دهد. لازم به یادآوری است، بی‌شک این مکتوب خالی از نقص و کاستی نیست. پیشاپیش همه نقدها و پیشنهادهاى اهل نظر و فضل را به دیده منت نهاده، قدر می‌نهم، و از همه محققان گرانسنگ، اساتید گرانقدر و فقیهان گرانمایه که با ارشادات و تذکر خود موجبات اصلاح بعدی این رساله را فراهم سازند، سپاس گزارم. و در پایان لازم است، از استاد و دانشمند گرامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای مهدی هادوی تهرانی دامت برکاته.

و استاد و عالم فرزانه حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای سید احمد حسینی خراسانی دامت افاضاته که با راهنمایی دقیق و عالمانه و با دادن نظرات مفید و راه‌گشای خود باعث رفع پاره‌ای از کاستیها و نقائص آن گردیدند. سپاس‌گزاری و قدردانی نمایم. از خداوند متعال برای ایشان سلامتی و طول عمر و توفیقات روزافزون در نشر احکام سعادت بخش اسلام، بیان حقایق، رفع شبهات، ایجاد معرفت دینی و خشکانیدن ریشه افکار باطل، مسئلت دارم.

«رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

قم

علی اکبر ارجی

بهار ۱۳۸۸